

134154 - آیا گرفتن حقوق برای آموزش علم شرعی جایز است؟

سوال

دوستانم از شیوخ و علما انتقاد می‌کنند؛ چون آنان برای کارشان حقوق می‌گیرند و همینطور ادعا می‌کند هیچ دلیل از قرآن و سنت نیست که صحابه به امامان [نماز] و شیوخ برای انجام وظیفه‌ی دعوت حقوق می‌دادند. وقتی به او گفتم: بر همه‌ی امت لازم است که دعوتگران را حمایت کنند، چون وقتشان را برای این کار می‌گذارند، گفت: هیچ دلیلی در کتاب و سنت نیست که صحابه چنین کرده باشند. او برای اثبات اینکه کسب روزی از قرآن جایز نیست به این آیات استدلال می‌کند:

وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ [بقره: ۴۱]

(و بدانچه نازل کرده‌ام که موید همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید و نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید و تنها از من پروا کنید)

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ [یس: ۲۱]

(از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند پیروی کنید).

بنابراین آیا کسب اموال از طریق تدریس قرآن و حدیث جایز است؟ لطفاً دلایل آن را ذکر کنید.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اولاً:

اصل در عبادات این است که مسلمان در مقابل انجام آن هیچ پاداشی نگیرد؛ و هر کس از طاعت خود قصد دنیا داشته باشد نزد الله نیز اجری نخواهد داشت، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ [هود: ۱۵ - ۱۶]

(کسانی که زندگی دنیا و زینت و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد (۱۵) اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آنجا کرده‌اند به

هدر رفته و آنچه انجام می‌دادند باطل گردیده است).

ثانیا:

اگر عبادت از نوعی باشد که سود آن به دیگری نیز می‌رسد، مانند رُقیه با قرآن یا آموزش آن یا آموزش حدیث، دریافت مزد برای آن در مقابل سودی که به دیگری رسیده مانند رقیه یا آموزش، نزد جمهور علما به جز متقدمان حنفیه جایز است.

در سنت نبوی دلایلی برای تایید قول جمهور وارد شده است:

از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که گروهی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از کنار یک آبادی گذشتند که یکی از آنان را مار نیش زده بود. پس یکی از اهل آبادی به آنان گفت: آیا کسی از شما رقیه بلد است؟ چرا که مردی را در این آبادی مار زده است. پس یکی از آنان به راه افتاد و به نزدش رفت و در مقابل تعدادی گوسفند سوره‌ی فاتحه را [بر آن بیمار] خواند، پس شفا یافت، آنگاه گوسفندان را به نزد دوستانش آورد. آنان کار وی را ناپسند دانستند و گفتند: برای کتاب الله مزد گرفته‌ای؟ تا آنکه به مدینه آمده و گفتند: ای رسول خدا، این برای کتاب الله مزد گرفته. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: **سزاوارترین چیزی که برایش مزد گرفته‌اید کتاب الله است** به روایت بخاری (۵۴۰۵).

این روایت را بخاری (۲۱۵۶) و مسلم (۲۲۰۱) از ابوسعید خدری نیز روایت کرده‌اند.

امام نووی - رحمه الله - در شرح صحیح مسلم تحت این باب آورده است: **باب جواز گرفتن مزد برای رقیه با قرآن و انکار.**

نووی - رحمه الله - در شرح این حدیث می‌گوید:

این حدیث تصریح به جواز گرفتن مزد در مقابل رقیه با سوره‌ی فاتحه و ذکر است، و اینکه این کار حلال است و کراهتی ندارد. همینطور گرفتن مزد برای آموزش قرآن، و این مذهب شافعی و مالک و احمد و اسحاق و ابو ثور، و گروهی دیگر از سلف و کسانی است که پس از آنان آمده‌اند شرح نووی بر صحیح مسلم (۱۴ / ۱۸۸).

علمای کمیسیون دائم فتوا می‌گویند:

«برای شما جایز است که در مقابل آموزش قرآن مزدی بگیرید؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - زنی را در برابر آموزش قرآن به ازدواج مردی در آورد و همین را به عنوان مهریه‌ی او قرار داد. همینطور آن صحابی برای شفای بیماری یک کافر از طریق خواندن سوره‌ی حمد بر وی مزد گرفت و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: **سزاوارترین چیزی که برایش مزد**

گرفته‌اید کتاب الله است به روایت بخاری و مسلم. ممنوع این است که انسان برای نفس خواندن قرآن از مردم پاداش بگیرد و چون برای خودش قرآن می‌خواند از مردم گدایی کند».

شیخ عبدالعزيز بن باز، شیخ عبدالرزاق عفی، شیخ عبدالله بن غدیان، شیخ عبدالله بن قعود.

(فتاوی اللجنة الدائمة: ۹۶ / ۱۵).

همچنین مراجعه نمایید به سوالات (20100) و (95781).

ثانیا:

اما استدلال دوستتان به این آیات پذیرفته نیست؛ زیرا معنی آیات با آنچه ایشان استدلال کرده‌اند یعنی منع گرفتن مزد برای آموزش قرآن و حدیث و دیگر علوم شرعی متفاوت است. البته این را انکار نمی‌کنیم که برخی از علما با استدلال به این آیات و آیات مشابه به منع گرفتن مزد برای آموزش قرآن و علوم شرعی استدلال کرده‌اند، اما این استدلال آنان را نمی‌پذیریم، به این دلایل:

۱- این سخن الله متعال که می‌فرماید:

وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ [بقره: ۴۱]

(و بدانچه نازل کرده‌ام که موید همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید و نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید و تنها از من پروا کنید)

منظور از مزد و بهایی ناچیز در این آیه راضی کردن مردم است، زیرا آنان احکام دین را برای راضی نگاه داشتن عوام تغییر دادند یا خود را عالم معرفی کردند حال آنکه جاهل بودند، بنابراین کتاب‌هایی بی‌ارزش حاوی داستان و اطلاعاتی ساده نوشتند تا در جمع مردم ادعای علم کنند، زیرا از آنجایی که طمع در صدرنشینی و رهبری مردم داشتند اما از خرد و علم صحیح بی‌نصیب بودند، چیزی سطحی سرهم کردند و موضوعات و دروغ‌هایی را یکجا نمودند و مسائلی بی‌ارزش که در مقابل محک علم صحیح دوام نمی‌آورد، سپس منتشرش نموده و به الله و دینش منسوب کردند و این روش جاهلانی است که بدون شایستگی در پی ریاستند تا در نتیجه در برابر عوام که توانایی تشخیص چربی از چرک را ندارند در ظاهر عالم نمایان شوند»

(التحریر والتنویر: ۸ / ۵۷۷).

قرطبی - رحمه الله - می‌گوید:

«علما به سبب این آیه و آنچه در معنای آن است، در مورد گرفتن مزد برای آموزش قرآن و علم اختلاف دارند؛ زهری و اصحاب رای (یعنی احناف) این کار را منع نموده و می‌گویند: گرفتن مزد برای آموزش قرآن جایز نیست، زیرا تعلیم قرآن از جمله واحباتی است که نیاز به نیت تقرب به الله و اخلاص دارد، بنابراین مانند نماز و روزه نباید برایش مزدی گرفت و الله متعال می‌فرماید: **وَلَا تَسْتَرُوا بِآيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا** (و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید)، امام مالک و شافعی و احمد و ابو ثور و اکثر علما گرفتن مزد برای آموزش قرآن را جایز می‌دانند، به دلیل سخن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حدیث رقیه که ابن عباس روایت کرده: **سزاوارترین چیزی که برایش مزد گرفته‌اید کتاب الله است** این حدیث را بخاری روایت کرده و نصی است که اختلاف را از میان می‌برد، بنابراین باید به آن استناد نمود.

اما استدلال مخالف به قیاس بر نماز و روزه قیاسی است فاسد؛ زیرا قیاسی در برابر نص است، و از سوی دیگر این دو، دو مسأله‌ی متفاوت است، زیرا نماز و روزه عباداتی است خاص به شخص، اما آموزش قرآن عبادتی است که سود آن به شخص دیگر جز معلم نیز می‌رسد، بنابراین گرفتن مزد برای تلاشی که برای نقل [علم] انجام می‌دهد جایز است، مانند آموزش نوشتن قرآن.

اما پاسخی که در برابر این آیه می‌توان داد این است که: منظور از آیه بنی اسرائیل است، و آیا شرع پیشینیان برای ما نیز معتبر است؟ در این مورد اختلاف است و خود وی (یعنی امام ابوحنیفه) آن را معتبر نمی‌داند.

پاسخ دوم این است که منظور آیه کسی است که یاد دادن و تعلیم برایش واجب است اما این کار را انجام نمی‌دهد مگر در برابر مزد؛ اما اگر مزد خاصی را شرط نکند، گرفتنش برای او جایز است، به دلیل سنت، و ممکن است امر آموزش دیگران برایش واجب باشد، ولی باید به کار و حرفه‌ی خودش نیز برسد که در این صورت تعلیم دیگران برایش واجب نخواهد بود و [در این حالت] باید امام و حاکم برای برپا داشتن دین او را یاری دهد، و گرنه باید مسلمانان به او کمک کنند، زیرا ابوبکر صدیق هنگامی که به خلافت رسید و برای این مسئولیت برگزیده شد چیزی نداشت که خرج خانواده‌اش کند، پس لباسی برداشت و به بازار رفت. علت این کارش را پرسیدند؛ وی فرمود: در غیر این صورت چگونه خرج خانواده‌ام را بدهم؟ پس او را برگرداندند و برایش حقوقی که کفایتش کند تعیین نمودند.

اما احادیثی [که شامل منع از گرفتن مزد است] هیچ یک از این احادیث صلاحیت استدلال ندارند و هیچ یک نزد علمای

حدیث صحیح نیست. [سپس امام قرطبی به نقد این احادیث می‌پردازد]

در این باب هیچ حدیثی وجود ندارد که بتوان از جهت نقل بدان استناد کرد».

تفسیر قرطبی به طور مختصر (۱/ ۳۳۵ - ۳۳۶).

۲- اما این آیه که الله متعال می‌فرماید:

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ [یس: ۲۱]

(از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند پیروی کنید).

برخی از علما از این آیه به منع از گرفتن پاداش برای آموزش قرآن و علم شرعی استناد کرده‌اند و این را صفت پیامبران و پیروانشان دانسته‌اند. این آیه را نمی‌توان انکار کرد و آن با حمل معنایش بر کسانی است که تبلیغ دعوت و آموزش علم برایشان واجب است، نه کسانی که برایشان واجب نیست. همین‌طور می‌شود این آیه را حمل بر کراهت گرفتن مزد برای کسی دانست که به آن نیازمند نیست و این نظر شیخ محمد امین شنقیطی - رحمه الله - است. وی تعدادی از آیات دال بر این معنی را آورده سپس می‌گوید:

از این آیات کریمه چنین برداشت می‌شود که بر پیروان پیامبران یعنی علما و دیگران واجب است آنچه دارند را مجانی در اختیار بگذارند و در مقابلش چیزی نگیرند و گرفتن مزد برای آموزش کتاب الله و آموزش عقاید و حلال و حرام شایسته نیست».

(أضواء البیان: ۲/ ۱۷۹).

ایشان سپس می‌گوید:

«آنچه برای من آشکار شده - و الله اعلم - این است که انسان اگر نیازی ضروری نداشته باشد بر اساس دلایلی که گذشت اولی این است که برای آموزش قرآن و عقاید و حلال و حرام چیزی نگیرد، و اگر نیاز دارد به قدر ضرورت و از بیت المال حقوقی دریافت کند، زیرا ظاهر آن است که آنچه از بیت المال گرفته می‌شود از باب کمک در راه تعلیم است نه از قبیل گرفتن مزد.

اما برای کسی که خداوند بی‌نیازش ساخته اولی این است که تعفف نماید و از گرفتن مزدی در مقابل تعلیم قرآن و عقاید و حلال و حرام خودداری کند».

(أضواء البیان: ۲ / ۱۸۲).

آنچه شیخ شنقیطی برگزیده پیشتر توسط شیخ الاسلام ابن تیمیه نیز انتخاب شده است:

از ایشان - رحمه الله - درباره‌ی کسی پرسیدند که از آموزش علم شرعی خودداری می‌کند جز در برابر مزد، آیا کارش جایز است؟

ایشان چنین پاسخ دادند: «الحمدلله. اما آموزش قرآن و علم بدون مزد از بهترین اعمال و محبوب‌ترین آن نزد الله است و این چیزی است که به اضطرار از دین اسلام دانسته می‌شود و این مورد برای کسی که در دیار اسلام زندگی کرده پوشیده نیست، و صحابه و تابعین و پیروان تابعین و دیگر علمایی که نزد امت به قرآن و حدیث و فقه مشهورند همه بدون دریافت مزد آموزش می‌دادند و هرگز کسی از آنان برای مزد چیزی یاد نمی‌داد.

زیرا **علماء و ائمة پیامبران هستند و پیامبران دینار و درهم به ارث نگذاشته‌اند و بلکه علم را به ارث گذاشته‌اند پس هر که آن را بگیرد بهره‌ای بسیار برده است** و پیامبران صلوات الله علیهم علم را بدون دریافت مزد یاد می‌دادند، چنانکه نوح - علیه السلام - می‌فرماید:

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ [هود: ۱۰۹]

(و برای آن مزدی از شما نمی‌خواهم، اجر من جز بر عهده‌ی پروردگار جهانیان نیست).

و همینطور هود و صالح و شعیب و لوط و دیگر پیامبران، و همچنین خاتم پیامبران می‌فرماید:

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ [ص: ۸۶]

(بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به الله نسبت دهم).

و می‌فرماید:

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا [فرقان: ۵۷]

(بگو برای این از شما مزدی نمی‌خواهم جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد).

و درباره‌ی آموزش بدون مزد قرآن و حدیث و فقه و مانند آن هیچ یک از علما اختلافی ندارند که عملی نیک و بلکه از فروض کفایه است، چنانکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در حدیث صحیح می‌فرماید: **از سوی من برسانید اگر چه یک آیه باشد و می‌فرماید: حاضر به غایب برساند.**

بلکه علما درباره‌ی جایز بودن گرفتن مزد برای آموزش قرآن و حدیث و فقه بر دو قول مشهور هستند که هر دو قول از احمد روایت شده.

یکی مذهب ابوحنیفه و دیگران است که گرفتن مزد برای آن را جایز نمی‌دانند.

و قول دوم، مذهب شافعی است که گرفتن مزد را جایز می‌شمارد.

قول سومی نیز در مذهب احمد وجود دارد که گرفتن آن در صورت نیاز برای شخص غیر ثروتمند جایز است، همانطور که خداوند متعال درباره‌ی سرپرست یتیم می‌فرماید:

وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ [نساء: ۶]

(و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری نماید و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد).

جایز است به این افراد برای آموزش از بیت المال مسلمانان [حقوق مشخصی] داده شود چنانکه به امامان و موزنان و قاضیان داده می‌شود و این در صورت نیاز جایز است.

اما در صورت بی‌نیازی باز هم کسب درآمد از آن جایز است؟ در این مورد علما دو قول دارند...

اشکالی که علما برای عدم جواز گرفتن مزد برای این نوع سودرسانی وارد می‌کنند چنین است که ویژگی این اعمال اینگونه است که انجام دهنده‌ی آن به خاطر آموزش قرآن و حدیث و فقه و امامت و اذان اهل قرب است و کارش برای نزدیکی به خداوند، و انجام آن از سوی کافر جایز نیست و جز مسلمان انجامش نمی‌دهد، بر خلاف نفعی که مسلمان و کافر انجام می‌دهند مانند بنایی و خیاطی و ریسندگی و مانند آن و اگر این اعمال در مقابل مزد انجام شود دیگر عبادتی برای الله باقی نمی‌ماند، زیرا در مقابل مزدی است که برای آن انجام می‌گیرد و کار اگر برای مقابل انجام شود دیگر به عنوان عبادت باقی

نمی‌ماند، مانند صنعت‌هایی که در برابر پاداش انجام می‌شود. کسانی که می‌گویند مزد گرفتن برای این اعمال جایز نیست می‌گویند: انجام آن بر غیر وجه عبادت جایز نیست همانطور که انجام نماز و روزه و قرائت قرآن بر غیر وجه عبادت صحیح نیست و گرفتن مزد آن را از این وجه خارج می‌سازد.

و آنهایی که جایزش می‌دانند می‌گویند: این نفعی است که به شخص مزد دهنده نیز می‌رسد بنابراین گرفتن مزد برای آن جایز است، مانند دیگر منافع.

و آنهایی که میان نیازمند و بی‌نیاز تفاوت گذشته‌اند - که به صواب نزدیک‌تر است - می‌گویند: نیازمند اگر برای آن مزدی بگیرد می‌تواند آن را به نیت خداوند انجام دهد و مزد بگیرد تا توسط آن برای انجام عبادت یاری گیرد، زیرا کسب درآمد برای خانواده نیز واجب است، بنابراین با این مزد واجب را انجام می‌دهد، بر خلاف بی‌نیاز که محتاج کسب در آمد از این راه نیست، پس نیازی ندارد که آن را برای غیر خدا انجام دهد، بلکه اگر بی‌نیاز باشد این کارش فرض کفایه است و او مسئول انجامش می‌باشد و اگر کسی جز او انجامش ندهد در این حالت فرض عین است، والله اعلم»

به اختصار از **مجموع الفتاوی** (۲۰۴ / ۳۰).

بنابراین می‌توان گفت: هیچ دلیلی در کتاب و سنت وجود ندارد که نص بر تحریم گرفتن مزد برای عباداتی باشد که سود آن به دیگران نیز می‌رسد. آیاتی که به آن استناد کرده‌اند همانطور که دیدیم نص بر این حکم نیست و در استدلال به آن اختلاف است، و احادیثی که در این باره وارد شده سند آنها ضعیف است که می‌توانید به آدرسی که ذکر کردیم در تفسیر قرطبی مراجعه نمایید.

البته این را باید یادآور شویم که برای انسان بی‌نیاز بهتر آن است که از گرفتن متاع دنیا در برابر علم شرع که خداوند به وی عطا کرده خودداری نماید.